روزنامه شرق

شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ • ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۳ • ۲۱ آوریل ۲۰۱۲ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۵۰۹ • شماره ۵۸۵ دوره جدید • ۱۲صفحه+۳۲صفحه ضمیمه • ۱۰۰۰ تومان

فروش تمام ۳۲ اثر ایرانی‌ها در شب دوم «کریستیز»

علی شیرازی پدیده حراج

گروه هنر: شب دوم حراج کریستیز دوبی برای هنر ایران خاطره‌انگیز بود: همه آثار هنرمندان ایران به فروش رسید، زنان نقاش جوان همچون بیتا وکیلی و طاهره صمدی‌طاری رکوردهای خود را شکستند و اما علی شیرازی با فروش اثرش به میزان پنج برابر قیمت اولیه، پدیده...

صفحه آخر

عابدینی در ژاپن طلا گرفت

تاریخی‌ترین سهمیه المپیک برای شمشیربازی

گروه ورزش: شمشیربازی ایران بالاخره المپیکی شد. نخستین سهمیه المپیک تاریخ این رشته در حالی به دست آمد که مجتبی عابدینی، ملی‌پوش اسلحه سابر کشورمان موفق شد در رقابت‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه در ژاپن، با کسب مدال طلا جواز حضور در بازی‌های...

صفحه ۹

ضمیمه اول هفته

ایران در نامه به «آمانو» اعلام کرد

آمادگی تهران برای مذاکره با آژانس

گروه سیاسی، مجتبی فتحی: بازهم ایران پیشگام شد؛ پیشگام از سرگیری مذاکرات هسته‌ای؛ نه سیاسی بلکه فنی. مذاکراتی که دو طرف دارد؛ یک طرف ایران و طرف دیگر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. این مذاکرات فنی هم همچون مذاکرات سیاسی میان جمهوری اسلامی با میانجیان بین‌المللی حل و فصل مناقشه هسته‌ای ایران متشکل از پنج عضو دایم شورای امنیت یعنی آمریکا، بریتانیا، فرانسه روسیه و چین به علاوه آلمان موسوم به گروه ۱+۵ به بن‌بست خورده بود. اصلا بن‌بست و مذاکرات هسته‌ای ایران با هم پیوند ناگسستنی دارد؛ یک روز مذاکرات سیاسی در بن‌بست است و روز دیگر مذاکرات فنی؛ روزی هم هر دو. البته اکنون شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی عزم خود را جزم کرده که مذاکرات هسته‌ای را در هر دو بعدش هم فنی و هم سیاسی از بن‌بست خارج کند. در بعد سیاسی که تاکنون توفیقاتی حاصل شده؛ مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ پس از ۱۵ماه توقف مذاکرات توافق کردند تا ۲۶ فروردین در استانبول ترکیه گرد هم آیند و بار دیگر رو در رو بر سر دستیابی به یک تفاهم به منظور غلبه بر سوءتفاهمات حول محور برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کنند. پس از آن نیز دو طرف به این توافق دست یافتند تا سوم‌خرداد در بغداد به منظور «تدوین یک مدالیته جامع مذاکره» با یکدیگر دیدار داشته باشند؛ دیدارهایی که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران یک هدف عمده دارد؛ تعلیق تحریم‌ها. این هدف قابل دسترس است یا نه را زمان مشخص می‌کند؛ حدود یک ماه دیگر. اما به هر حال برخی اقدامات می‌تواند ضریب دسترسی به این اهداف را افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۲

تیترها

اجاره‌ها برای مستاجرها خط و نشان می‌کشند

فروردین تمام شد تهران بلوک‌بندی نشد

صفحه ۵

۱۵۳میلیون سفر، ۳۳۰۰میلیارد تومان گردش مالی

اغراق و تناقض در آمار گردشگری نوروزی

صفحه ۱۱

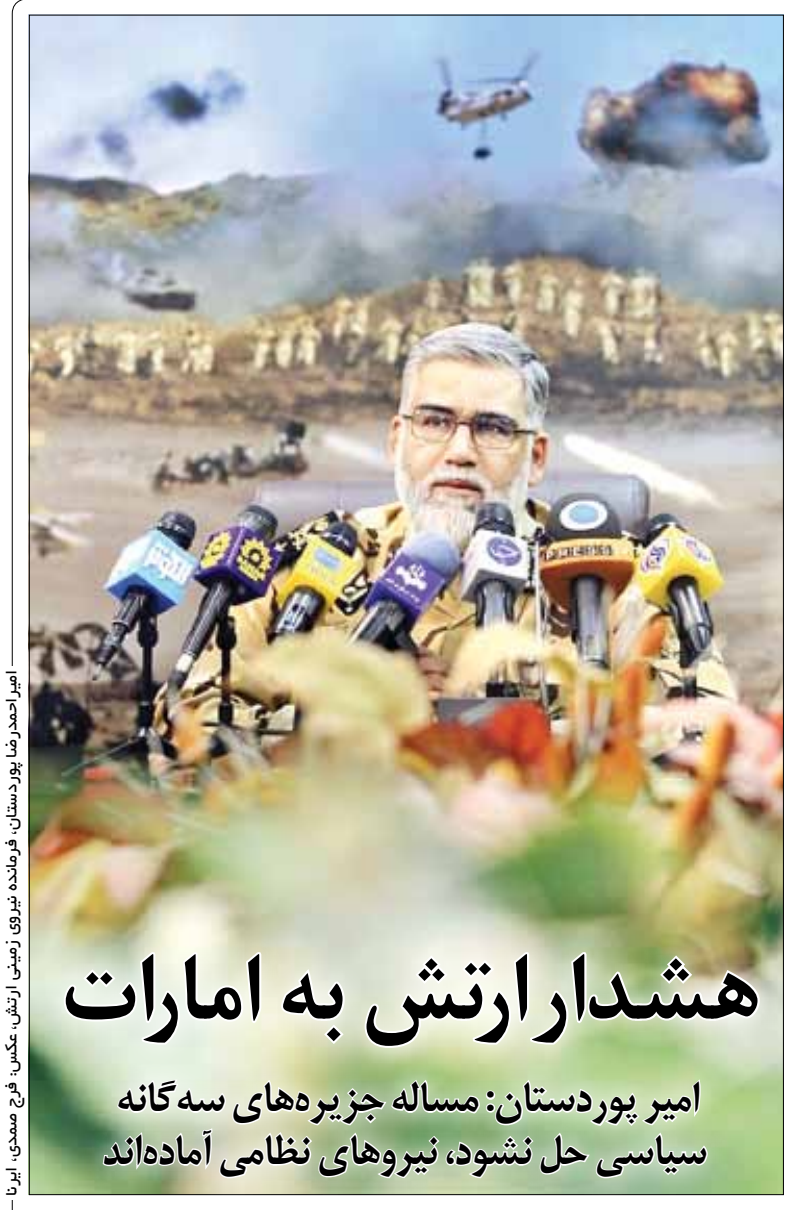

امیر احمدرضا پوردستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش، عکس: فرج صمدی، ایرنا

هشدار ارتش به امارات

امیر پوردستان: مساله جزیره‌های سه‌گانه سیاسی حل نشود، نیروهای نظامی آماده‌اند

گروه سیاسی، سروش فرهادیان: سه‌تا هستند، دو برادر و یک پدر. دور تا دورشان هم آب است. آبی که قدمتش از تاریخ تشکیل برخی از کشورهایی که بر خوان‌اش نشسته‌اند بیشتر است. خیلی هم بیشتر؛ نه یک سال و یک دهه و یک قرن. سه جزیره، یک ملت؛ این داستان هزاره‌هاست. روایت تاریخ است. تاریخ یک دنیا. نه دنیای این روزها؛ دنیای خیلی خیلی دورترها. «نخواندن» و «نداشتن»؛ داستان همین تاریخ است. داستان آنهایی است که تاریخ ندارند و همین دوروبرهای زمانه ما دور هم جمع شده‌اند. تاریخ هم نمی‌خوانند لابد؛ اگرنه ادعایی بلندتر از دیوار ۴۱ساله را نه بر زبان می‌آورند، نه باور می‌کنند. این داستان آنهایی است که تاریخ نمی‌خوانند، چون تاریخ ندارند؛ چون تاریخ خواندن به سودشان نیست. شاید هم حق دارند؛ همزادی در تاریخ ندارند. «رستم» ندارند. «اسفندیار» ندارند. «سیاوش» و «سهراب» ندارند. «بهرام» و «کوروش» و «اردشیر» ندارند. «فردوسی» هم که اصلا ندارند و به‌جز اینان، «خاک» زیادی هم ندارند. شاید برای همین است که تصور دقیقی از خاک ندارند؛ اگرنه می‌دانند که خاک را با «وجب» اندازه می‌گیرند نه با «عدد»، که حالا بشود سه عددش را از ایرانیان بگیرند و دو عددش را از جای دیگر جور کنند. حالا که نه، چند سالی است حدود ۴۱سال، شبه‌جزیره‌ای پیدا شده و ادعای مالکیت سه جزیره از یک خاک پهناور می‌کند؛ این از عجایب دنیای ماست؛ جزیره‌ای مدعی سه‌جزیره از یک خاک به قدمت تاریخ؛ هم تاریخ مکتوب، هم پیشدادی. این هم از طنزهای تلخ این روزهاست. دهانی که می‌خواهد لقمه‌ای بزرگ‌تر از خودش را ببلعد؛ تکه‌ای از یک خاک بزرگ. این البته بخشی از یک داستان بزرگ‌تر است؛ داستان یک دریا؛ «خلیج‌پارس»؛ خوان نعمت و برکت. ادعای امارات متحده عربی بر مالکیت «تنب بزرگ» و «تنب کوچک» و «ابوموسی»، ادعایی بر آب است؛ از جنس همان ماسه نوشته‌هایی که کودکان ایرانی با خیالی راحت از پاک‌سازی، هرچه در رویای‌شان است را با ماسه بر ساحل خلیج‌پارس می‌نویسند، بعد هم آب کار خودش را می‌کند، می‌شوید و می‌برد. مانند ادعای وجود خلیج «ع ر ب ی» که هی می‌گویند و هی آب دریای پارس آن را می‌شوید و می‌برد؛ ماسه‌ها را سر جایشان باز می‌گرداند. برای پاک کردن ادعای مالکیت بر جزیره‌های ایرانی توسط امارات اما نوبت به آب نمی‌رسد؛ باد زودتر از آب آن را می‌برد. ماجرای این جزیره‌ها و ادعای مالکیت کشوری با ۴۱سال تاریخ، نمایی از ماجرای «ملا» و «آش» است؛ آش این جزیره‌ها اما شور است؛ شور شور. لقمه‌اش هم به دهان امارات نمی‌آید. دندان‌گیر که نیست، گلوگیر هم هست. بهانه جدید امارات برای تکرار این ادعا سفر هیات دولت دهم به استان هرمزگان و بازدید از جزیره ابوموسی است. بعد از این، امارات ادعا کرد این سفر نقض «تمامیت ارضی‌اش» است؛ از آن ادعاهای ناشی از بی‌تاریخی. چند کشور غربی هم نیمچه حمایتی کردند که موضوع مورد اختلاف ایران و امارات باید در دادگاه‌های بین‌المللی حل‌وفصل شود؛ کدام موضوع؟ البته توضیح نداده‌اند. نمایندگی دایم ایران در سازمان‌ملل متحد هم به «سوزان رایس» رییس آمریکایی شورای امنیت و «بان‌کی‌مون» دبیرکل کره‌ای سازمان‌ملل نامه نوشته که «خلیج‌فارس»، خلیج‌فارس است و این جزیره‌ها هم جزو همیشگی خاک ایران و غیرقابل مذاکره؛ توضیح واضحات داده‌اند. موضوع خاک و آب که به میان می‌آید سربازان میهن هم دنبالش می‌آیند. شاید برای همین است، هر که لباس رزم پوشید می‌گویند سرباز این «آب‌وخاک» است. حالا فرمانده نیروی زمینی ارتش هم که دیده اماراتی‌ها کوتاه‌بیا نیستند تاکید کرده سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی در خلیج‌فارس متعلق به ایران است و ایران برای دفاع از این حقش «قاطعانه» و با قدرت ایستاده.

نکته

موضوع خاک و آب
که به میان می‌آید
سربازان میهن هم
دنبالش می‌آیند
شاید برای همین است
هر که لباس رزم پوشید می‌گویند
سرباز این «آب‌وخاک» است

ادامه در صفحه ۲

مدیرعامل شرکت‌ملی نفت درباره آمار تولید واقعی سکوت کرد

تایید کاهش تولید روزانه نفت ایران

گروه اقتصاد، رضا زندی: نمایشگاه هفدهم نفت، خاصه در بخش خارجی‌اش، بی‌رونق بود. حاشیه‌هایش اما خبرساز شد. هم وزیرنفت تاکید کرد: «اگر در مذاکرات بغداد (گروه ۱+۵ با ایران)، تحریم‌های نفتی را لغو نکنند، ما صادرات‌مان را به اروپا قطع می‌کنیم.» هم مدیر بین‌الملل شرکت ملی نفت پیش‌بینی کرد: «در صورت شوک جدید نفتی، قیمت نفت به بالای ۱۳۰ تا ۱۴۰ دلار خواهد رسید.» رستم قاسمی هم به تولید بیش از سقف تعیین‌شده کشورهای اوپکی اعتراض کرد، هم از توقف تحویل نفت به «شل» گفت. آقای وزیر اما ترجیح داد از انجام عملیات تهاتری نفت در برابر کالا اظهار بی‌اطلاعی کند و هنگامی که درباره خبر کاهش ۷۷درصدی خرید نفت ژاپن از ایران مورد سوال «شرق» قرار گرفت، پاسخ داد: «ژاپنی‌ها در حال حاضر طبق قراردادها، نفت‌شان را می‌برند. حالا اگر در آینده نخواهند ببرند، ما بازار خودمان را داریم.»

گل سرسبد خبرهای نمایشگاه نفت اما سکوت درباره ارقام روز تولید و صادرات نفت بود. از آن مهم‌تر اینکه، برای نخستین بار، مدیرعامل شرکت ملی نفت، آمار رسمی بانک‌مرکزی را درباره کاهش تولید نفت کشور تکذیب کرد: «آمار بانک‌مرکزی درباره تولید نفت ما اشتباه است.» وی در عین حال کاهش تولید ۲۸هزار بشکه‌ای نفت در سال گذشته را تایید کرد. در وزارت نفت چه خبر است که کسی حاضر نیست آمار تولید و صادرات به‌روز شده نفت ایران را اعلام کند؟!

کدام سابق آقای وزیر؟

صبح پنجشنبه، وقتی خبرنگاری از وزیرنفت خواست تا آمار تولید و صادرات نفت را اعلام کند، رستم قاسمی پاسخ داد: «میزان تولید، ظرفیت تولید و صادرات نفت، همان آمار سابق است.» کدام سابق آقای وزیر؟ یک مقام بلندپایه شرکت ملی نفت در حال بازدید از نمایشگاه هفدهم است. وقتی درباره میزان تولید نفت در سال‌های قبل از ۸۴ سخن به میان می‌آید به «شرق» می‌گوید: «در یکی از آخرین بازدیدهایمان از مناطق جنوب، در میدان دارخوین، آمارهای تولید نفت را با آقای مهندس زنگنه، بررسی کردیم. تولید آن روز، چهار میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه بود.» غلامحسین نوذری، دومین وزیر نفت دولت نهم، عصر چهارشنبه در همان نمایشگاه نفت گفته بود: «ما تولید نفت را با چهار میلیون و ۲۳۰هزار بشکه در روز تحویل داده‌ایم.» این در حالی است که اوپک در گزارش خود، به نقل از منابع ثانویه بازار، متوسط تولید روزانه نفت ایران را سه میلیون و ۴۳۰هزار بشکه اعلام کرده است. صبح جمعه، «شرق» از مدیرعامل شرکت ملی نفت می‌پرسد:

آقای قلعه‌بانی، اوپک در گزارش خود متوسط تولید نفت ایران را سه میلیون و ۴۳۰هزار بشکه در روز اعلام کرده، آژانس بین‌المللی انرژی اما، این رقم را برای ماه مارس سه میلیون و ۳۵۰هزار بشکه اعلام کرده است. آیا شما این ارقام را تایید می‌کنید؟ تولید نفت ایران واقعا چقدر است؟

«آمار اوپک را تایید نمی‌کنم. تولید ما خوب است و طبق برنامه پیش می‌رود.» این در حالی است که بانک مرکزی در گزارش رسمی خود تولید نفت کشور را برای سال ۸۹، روزانه به طور متوسط سه میلیون و ۵۳۶هزار بشکه و صادرات نفت را روزانه، دومیلیون و دوهزار بشکه اعلام کرده است. عملکرد مدیران نفتی با آمار تولید نفت و گاز مشخص می‌شود. وقتی شرکت نفت، «ملی» است، مردم باید بتوانند به عملکرد نفتی‌ها نمره دهند!

نکته

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران
آمار رسمی بانک مرکزی درباره
کاهش ۵۰۰هزار بشکه‌ای تولید
نفت را اشتباه خواند.
گل سرسبد خبرهای نمایشگاه
هفدهم نفت سکوت درباره ارقام روز
تولید و صادرات نفت بود

اعتراض قاسمی به اوپک

وزیر نفت در کنفرانس مطبوعاتی‌اش که در حاشیه هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز و پالایش و پتروشیمی برگزار شد درباره عدم فروش نفت به شرکت نفت «شل» گفت: «ما مبلغی از شل طلب داریم. آنها هم تلاش می‌کنند که بدهی‌شان را بپردازند. اما ما مدتی است به دلایل مختلف به «شل» نفت نمی‌فروشیم.» پیش از این «شل» اعلام کرده بود که حدود یک میلیارد دلار به ایران بدهی دارد و به دلیل مشکلات بانکی، نتوانسته است پول ایران را بپردازد. رستم قاسمی خواهان تجارت آزاد بین کشورها شد: «تجارت آزاد را نمی‌توان محدود کرد. تجارت برای تجارت است.» بعد از این سخنان اما، وزیر نفت به کشورهای اوپکی اعتراض کرد: «ما به عنوان عضو اوپک حق داریم به اعضای اوپک که بیش از سقف تعیین شده در اجلاس گذشته، نفت تولید کرده‌اند، اعتراض کنیم و این اعتراض را به رییس اوپک منتقل کرده‌ایم.»

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

مصر؛ راهی دراز از ابوالهول تا دموکراسی

فریدون مجلسی*

مصر کشوری است با لایه‌ای بزرگ و جالب و باسابقه از اندیشمندان و روشنفکران، دانشمندان و هنرمندان پیر و جوان. پیش و بیش از ایران با غرب جدید و قدیم آشنا بوده و از زمان اسکندر بخشی از آن بوده و بعدها نیز ناپلئون‌ها و رومل‌ها و مونتگمری‌ها را در خاک خود دیده و آزموده است. روشنفکران مصری نیز زمانی در رویارویی با غربِ سیری‌ناپذیر به چپ روی آوردند و مانند همه جای جهان چپ‌اندیش شدند و سر از سراب و استبداد برآوردند و به راست روی آوردند و به فساد و دیکتاتوری ابوالهولی دیگری رسیدند. در برابرش ایستادند تا شاید دموکراسی داروی دردشان باشد! غافل از اینکه تمایلات و آرمان‌های فرهیختگان و روشنفکران برای استقرار و بقای دموکراسی کافی نیست، خصوصا اگر کار به زورآزمایی کشیده باشد، که در این صورت، زورآزمایان سهم و میراث خود را از زور می‌خواهند و خودشان ابوالهول می‌شوند! روشنفکران مصری حقوق دموکراتیک ملتی را طلب می‌کنند که اکثرا فلاحینی هستند که بیشتر شیفته قدرتِ قدرتمداران و در انقیاد اعتقادات‌شان هستند. دموکراسی را نمی‌فهمند و شعارهای داغ را دوست دارند: هرچه داغ‌تر و پرشورتر، بهتر. روشنفکرانی که در دادخواهی‌های مصر صحنه‌گردان بودند اکنون در برابر ظهور امواجی که در آن دادخواهی‌ها حضور نداشتند و اکنون میراثش را طلب می‌کنند، رنگ می‌بازند و محو می‌شوند! مگر دموکراسی متکی بر شمارش نیست؟

ادامه در صفحه ۶

سرمقاله

تنب‌ها و ابوموسی؛ نقطه سر سطر

غلامرضا نظربلند

بازپس‌گیری جزایر تنب‌بزرگ، تنب‌کوچک و ابوموسی توسط ایران در سال ۱۳۵۰ شمسی (برابر با ۱۹۷۱ میلادی) بعد از حدود ۸۰ سال فترت در اعمال حاکمیت بر آن، عصر جدیدی را در روابط بین‌الملل به‌طور اعم و ژئوپلیتیک منطقه خلیج‌فارس و شرق سوئز به‌طور اخص، رقم زد. اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه مزبور بعد از انجام یک رشته مذاکرات مفصل و پیچیده بین تهران و لندن و در موارد جزیی‌تر هم بین دو شیخ‌نشین شارجه و راس‌الخیمه و ماموران ایرانی که نزدیک دو سال به درازا کشید، صورت گرفت. این مهم در مورد دو جزیره تنب بدون نگارش و در مورد جزیره ابوموسی با نگارش ترتیباتی (موسوم به یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ بین شارجه و ایران) همراه بود. ناگفته نماند که قبل از این هم (۱۳۴۸) مذاکراتی بین ایران و بریتانیا در مورد بحرین، که تهران آن‌را استان سیزدهم خود می‌دانست، انجام شد. این مذاکرات نزدیک یک‌سال به درازا کشید و بالاخره استقلال بحرین را در پی داشت. عصر جدیدی که در صدر این نوشتار به‌آن اشاره شد بسان ظرفی می‌ماند که مظروف آن را بسته‌ای (package) تشکیل می‌دهد که عناصر آن در پیوستگی ارگانیک و وابستگی دومینویی قرار دارد. سررشته ارتباط و اتصال این عناصر (فارغ از تقدم و تاخر زمانی پیدایش آنها که ظاهر قضیه است) را باید در عنصر اعاده حاکمیت ایران بر جزایر نام‌برده جست‌وجو کرد، که اگر تحقق نمی‌یافت معلوم نبود که سیر اتفاقات و تحولات در اواخر دوره حضور نیروهای انگلیس در خلیج‌فارس (موسوم به عصر صلح بریتانیایی pax Britanica era) و بعد از دوره خروج آن نیروها چطور رقم می‌خورد. به‌عبارت دیگر، در غیاب بازگشت تنب‌ها و ابوموسی به سرزمین اصلی آیا کشوری به‌نام قطر می‌توانست راه خود را رود و پرچم استقلال به اهتزاز درآورد؟ آیا بحرین به استقلال می‌رسید؟ آیا امارات متحده عربی به‌صورت فدراسیونی مرکب از شش و سپس هفت امارت (با پیوستن راس‌الخیمه) وارد جغرافیای سیاسی جهان می‌شد؟ و... هر چند که پاسخ به این پرسش‌ها به‌تشریح کلیات و تبیین جزییات موضوع از مناظر و زوایای گوناگون چون پیشینه تاریخی، ابعاد حقوقی، سیاست‌های استعماری، رقابت‌ها و بازی‌های سیاسی به‌ویژه بین قدرت‌های بزرگ در آن‌موقع، تعصبات قومی و قبیله‌ای، تبارشناسی، تعلیل و تحلیل چرایی ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ وقت در اثنای زمان حضورشان در منطقه مورد نظر و غور در جغرافیای سیاسی آن نیازمند است و این کوتاه نوشته را یارای پرداختن به آنها نیست، لیکن به قدر رفع تشنگی و در حد بضاعت کم نگارنده به نکاتی چند اشاره می‌شود. مطلع کلام حاضر را اعلامیه مورخ ۱۶ ژانویه ۱۹۶۸ دولت وقت انگلیس قرار می‌دهیم که از تصمیم آن‌دولت به خارج کردن نیروهای مسلح خود از خلیج‌فارس و خاورمیانه تا پایان سال ۱۹۷۱ خبر می‌داد، تصمیمی که اجرای آن متضمن پایان یافتن عصر صلح بریتانیایی در این منطقه بود. این عصر به بریتانیا قدرت هژمونی داده و شیخ‌نشین‌های قسمت جنوبی خلیج‌فارس را زیر لوای تحت‌الحمایگی به انقیاد خود درآورده و به‌بخش‌هایی از سرزمین دیگران، از جمله همین جزایر تنب و ابوموسی دست انداخته بود. این دست‌اندازی در راستای تحقق سیاست‌های استعماری آن قدرت هژمون به‌طور اعم و اعمال سیاست ایران‌زدایی (de-persianisation) و تضعیف هر چه بیشتر ایران در منطقه برای جلوگیری از پاگرفتن آن به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای رقیب به‌طور اخص، قابل تاویل و تفسیر است. اعمال سیاست‌های پیش‌گفته از سویی و ضعف دولت‌های مرکزی وقت تهران از سوی دیگر، دوره فترتی را در اعمال حاکمیت ایران بر آن جزایر موجب شد. در این دوره (۱۹۷۱-۱۹۰۳) هر چند که ایران حاکمیت مستمر بر جزایر مورد نظر نداشت، لیکن در برابر اعمال حاکمیت غیر(شیخ‌نشین‌های تحت‌الحمایه انگلیس) هم ساکت ننشست و در مواقع و مواردی کنش (در قالب اقدامات ناظر به اعمال حاکمیت بر اقلیم، هر چند گذرا) و واکنش‌هایی (از قبیل اعتراض به دولت انگلیس در قالب صدور یادداشت رسمی یا رد یادداشت‌های رسمی آن دولت) از خود نشان داد.

ادامه در صفحه ۶

روزنامه شرق
امور مشترکین
از مشترکین محترم روزنامه خواهشمندیم انتقادها و پیشنهادهای خود را در مورد نحوه ارسال روزنامه به شماره‌های ذیل اعلام فرمایند:
۸۸۸۱۴۲۳۰-۳۲

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.
۸۸۶۵۸۵۷۵-۸۸۵۲۴۹۷۴-۸۸۷۵۲۴۹۳-۸۸۷۵۲۱۵۹